

# ۲۵ سال تأثیر پس از انقلاب

سید قاسم عرفی

اکنون این هنر، از زمان انقلاب به ۲۵ سالگی رسیده است. گرچه در این مجال اندک نمی‌توان آنگونه که باید و شاید به آن پرداخت با این همه نگاهی کوتاه به آن خواهیم داشت.

## قبل از انقلاب

اواخر دههٔ چهل و آغاز دهه پنجاه را می‌توان سرآغاز تولد یک تئاتر ملی دانست. در این راستا حرکت‌هایی صورت گرفته که تأثیری ژرف بجای گذاشت. نمایشنامه‌نویسان و همه دست‌اندرکاران این هنر بر آن شدند که این هنر را که تولدش با اقتباس از آثار به ویژه غرب آغاز شده بود هویت ایرانی بخشند. بنابراین همین امر زمینه‌ساز مناقشات زیادی گردید. دست‌اندرکارانی بودند که روی به «تعزیه» این نمایش والای مذهبی - ملی آوردند؛ ولی از آنجا که زورمداران شیفته غرب شده بودند و در این نمایش حرکتی سیاسی می‌دیدند با کمک بعضی از روشنفکران سطحی‌نگر این گونه نمایش‌ها را نشانه عقب‌ماندگی می‌دانستند و با آن به ستیز برخاستند و از حربه‌ای بسیار قوی که اصولاً نمایش ضد دین است و هتک حرمت اولیاء خداست مردم را نیز تحریک کردند که با آن به ستیز برخاستند و تا آنجا پیش رفتند که بسیاری از تکیه‌ها را بستند و چنین شد که این نمایش تقریباً در محاق فراموشی فرورفت تا آنجا که ماهمین امروز نیز شاهد این مسئله هستیم و این هنر صرفاً تبدیل به هنری مناسبتی شد.

اگر دسته بالا را طیف اول بنامیم، طیف دومی نیز بودند که صادق بودند، باور ستیز نبودند بلکه هدف گسترش بیشتر این بین مردم بودند، که با توجه به تباین فرهنگ شرق و غرب و غریب بودن مفاهیم غربی ناکام ماندند، ولی نباید انکار کرد که نقشی بسیار مهم در شناساندن تئاتر به مردم داشتند! طیف سوم را می‌توان طیف سالهای نیمه دوم چهل و پنجاه به شمار آورد. آنها آمیزه‌ای از بازماندگان دهه‌های پیشین و نسل جدید بودند. آنها متفق شدند، ابزار متحول تئاتر غرب را به خدمت گرفتند و برای تحقق هدف مورد نظرشان از آن استفاده می‌کردند، می‌نوشتند، ترجمه می‌کردند و گاهی اقتباس می‌کردند و آن را ایرانیزه می‌کردند. آنچه که انکارناپذیر است این بود که باورهای دینی در این راستا نقشی به سزا داشتند. چرا که نمی‌توان هم تئاتر ملی و هم باورهای دینی مردم را نادیده گرفت. تأثیر این طیف مجددی بود که از محدوده‌های شهرهای بزرگی چون تهران، تبریز، اصفهان، شیراز و مشهد فراتر رفت و به شهرهای کوچک و دورافتاده سرایت کرد تا آنجا که در بیشتر شهرها گروه‌های تئاتری به وجود آمد و از آثار این نمایشنامه‌نویسان استفاده می‌کردند و با اینکه تحصیلات آکادمیک نداشتند خود

بدون شک هر انقلابی پی آمده‌ای خاص خود را دارد. نظامی می‌رود و نظامی دیگر می‌آید. بدیهی است این رفتن‌ها و آمدن‌ها تبعات خاص خود را دارد. و انقلاب‌ها نیز از این مستثنی نیست. باید طراحی نو انداخته شود، سامان‌دهی شود، تا همه چیز استقرار یابد. این امر مشکلات زیادی دارد. ثبات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و هنری باید ایجاد شود. تأثیرات ویرانگر گذشته باید از میان بردارد و تأثیری سازنده جایگزین سازد. کنترل شور و هیجان این پیروزی آن قدر ظریف و حساس است که در بعضی موارد اگر از دست رود ممکن است خشک و تر بسوزاند. این در رابطه با مقوله هنر با توجه به گسترهٔ پهناوری که از حساسیت مهم و مضاعفی برخوردار است. جامعه‌ای گرفتار بوده و اکنون آزاد شده است. زمانی که گرفتار بود، دیگران برایش طرح می‌ریختند و او هیچ دخالتی نداشته است. ولی اکنون او خود طرح است و خود مجری طرح و تمامی مسئولیت‌ها با او است. پس بناگزر باید دقیق باشد. با توجه به شور و شوقی که در

در آغاز سخن این بود  
که چطور می‌توان مردم  
و جوانان را به این عرصه وارد کرد، و حال این  
سوال پیش آمده است که چه باید کرد که این  
آمدگان را حفظ کرد؟

ساختن دارد باید مراقب باشد آفت‌زدایی پیشین تبدیل به آفت جدیدی برایش نشود. چرا که او اکنون آزاد است و نیروهایی از داخل و خارج از این امر ناخشنودند و منتظرند ضربه‌ی نهایی را به این تحول نوپا وارد کنند. و گسترهٔ هنر بهترین کمینگاه است. هنر که تنها ابزارش انسان چه باید بکند؟ هنر در برخورد مستقیم با انسان و اعتقاداتش و خواسته‌هایش و انتظاراتش و استعدادهایش که چنان خمیر مجسمه‌سازی به هر شکلی می‌تواند درآید چه موضعی را باید اتخاذ کند؟ بدون شک توقعات جامعه مسئولیت می‌آفریند، و این پدیده چگونه می‌تواند انتظارات را برآورده سازد؟

یکی از اعضای عالی‌رتبه سازمان هنر، تئاتر است. هنری که تاریخ نشان داده است منشأ تحولات بی‌شمار اجتماعی بوده است. اگر ناآگاهانه و بدون شناخت از آن استفاده شود مخرب خواهد بود و اگر آگاهانه و با شناخت مورد استفاده قرار گیرد منشأ آبادانی و شکوفایی و بالندگی جامعه خواهد.

به نمایشنامه نویسی و اجرای آن می‌پراختند. و نتیجه آن ظهور بازیگران، کارگردانان و نمایشنامه‌نویسان بزرگی بودند که قدم به قدم با رمان‌نویسان و قصه‌نویسان بزرگ حرکت می‌کردند، که در این منحنی بسیار است و همانطور که گفتیم در این مجال اندک امکان پرداختن نیست. پس از پیروزی انقلاب این هنر مانند ادبیات دچار وقفه گردید و این امری طبیعی بود چرا که در آن شلوغی‌های انقلاب زمینه استقرار مهیا نبود. طیف سوم پس از انقلاب را به جرأت می‌توان آن را یکی از پیچیده‌ترین دوره‌های تاریخ ایران دانست. تا آنجا که اگر آیندگان بخواهند درباره تاریخ تئاتر ایران بنویسند بی‌گمان به این مسئله اشاره خواهند کرد. تغییرات ساختار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، جنگ، برخورد افکار و عقاید، و از همه مهمتر پایه شدن «دین» بعنوان یک نظام اجتماعی، مسئله را پیچیده‌تر از آنچه بود می‌کرد. اینجا تئاتر و دست‌اندرکارانش با اعتقادات یک ملت روبرو بودند. البته این بدان معنی نیست که دست‌اندرکاران تئاتر قبل از انقلاب باورهای اعتقادی مردم را باور نداشتند، بلکه دوران اختناق چنان بود که هنرمندان نه تنها در عرصه تئاتر بلکه در همه زمینه هنر و ادب نمی‌توانستند به طور مستقیم با مردم ارتباط داشته باشند. و مردم کاملاً بر این امر واقف بودند. آنچه که مسئله را مشکل می‌کرد تولید یک ملت بود با انتظارات و توقعات بسیار و به حق چرا که اکنون پرده‌ها کنار زده شده است و مردم و هنرمندان روبروی هم نشسته‌اند. این یعنی رفتن روی لبه تیغ چرا که نه مردم و نه هنرمند تجربه برخورد مستقیم را نداشتند، و اگر هم در مواردی بسیار نادر داشتند آن قدر پر رنگ نبود که به حساب بیاید بنابراین نمی‌دانستند آن پتانسیل نهفته در خویش را چگونه بیان کنند. اینک تعامل دو طرفه بود، هر دو از یکدیگر متوقع بودند،

هنرمند از مردم می‌خواست او را در تمام زمینه‌ها حمایت کنند، و مردم نیز همینطور. مشارکت کنند، یکدیگر را نقد کنند و به یکدیگر بفهمانند که بقول معروف وقت آن رسیده است که سکه‌های تقلبی را از اصل تشخیص دهند و جدا سازند.

### رویکرد جوانان به تئاتر

از ابعاد شگفت ۲۵ سال تئاتر پس از انقلاب رویکرد پرشتاب و فزاینده جوانان (دختر و پسر) به تئاتر است. این مسئله از سویی خوشحال‌کننده است و از سویی دیگر نگران‌کننده. خوشحال‌کننده از این نظر که بالاخره مردم به تئاتر اعتماد کردند. آن را به عنوان هنر پذیرفتند. چرا که پیشکسوتان خوب بیاد دارند هنگامی که یک دختر و یا پسر جوان می‌خواستند در این رشته فعالیت کنند پدران و مادران با آنها مخالفت می‌کردند به اصطلاحی عامیانه آن را لودگی تلقی می‌کردند. از سویی نگران‌کننده است که چگونه می‌توان امکانات لازم را برای آنها فراهم کرد؟ (در آغاز سخن این بود که چطور می‌توان مردم و جوانان را به این عرصه وارد کرد، و حال این سوال پیش آمده است که چه باید کرد که این آمدگان را حفظ کرد؟) البته هنوز این معضل همچنان باقی است و گر چه در این راستا تلاشی می‌شود ولی نداشتن یک برنامه‌ریزی منسجم و نداشتن بودجه لازم آن کارایی لازم را ندارد و آنچه که این طیف وسیع جوانان را تاکنون نگهداشته است همانا عشقی است که به این هنر دارند. تئاتر یک مثلث است: مسئولین امر، هنرمندان، مردم. مسئولین امر می‌بایست امکانات و تجهیزات لازم را در حد مطلوب فراهم آورند، هنرمندان با هنر و تجربه‌های خود بکوشند، و مردم از آن حمایت کنند. اگر یکی از آنها عرصه را خالی کند یا تساهل کند بدون شک همه تلاش‌ها عبث





### گرایش به آثار ملی

از موارد قابل توجه این ۲۵ سال تئاتر ایران رویکرد جوانان به ادبیات و آثار ملی است، که خلاص آن کاملاً احساس می‌شد. این موضوع در تمام جهان صدق می‌کند. تئاتر یک کشور زمانی متحول می‌شود که از داشته‌های خود استفاده کند. خودشناسی یعنی جهان‌شناسی. ما از اول تاریخ تولد تئاتر در ایران تجربه گرانبهایی در رابطه با تئاتر جهان بویژه غرب داشته‌ایم، اما اینکه بخواهیم آن را محور قرار دهیم آسیب‌های فراوانی می‌بینیم.

این یک تعارف نیست که پرداختن بیش از حد به دیگران ما را از خود غافل می‌کند. در ارتباط با آثار ملی یا بهتر بگوئیم تئاتر ملی ما تلاش‌های گسترده‌ای در اواخر دهه چهل و پنجاه داشته‌ایم. نمایشنامه‌نویسان بسیار ارزشمندی داشتیم ولی باید اعتراف کنیم که در حق آنها بی‌مهری کرده‌ایم یا بهتر است بگوییم «ناسپاس» بوده‌ایم، و اگر بخواهیم تقصیر را متوجه کسی کنیم باید دو عامل را نام ببریم: مسئولین امر و خود دست‌اندرکاران تئاتر. چرا که این شیفتگی دیوانه‌وار به تئاتر غرب تا حدود زیادی ما را از خود دور ساخت، ما قرار بود آن ابزار تحول آن تئاتر را بخدمت بگیریم. خود ابزار شدیم. بدون شک دهه‌های چهل و پنجاه یکی از باشکوه‌ترین دوره تحول هنری در همه زمینه‌ها ادبیات، تئاتر، شعر، نقاشی و... بوده است، که با قطع ناباورانه این حرکت، بسیاری از

خواهد بود، وجود تئاتر صرفاً برای خالی نبودن عریضه خواهد شد.

### جشنواره‌ها

بدون شک برگزاری جشنواره در گسترش معرفی تئاتر نقش به‌سزایی دارد. ولی افزایش بیش از حد و نامتعارف آنها می‌تواند هشدار باشد؛ هشدار اینکه تئاتر مناسبتی شود و از رسالتی که دارد دور و به ابزاری سرگرم‌کننده تبدیل شود. و این یعنی عقب‌گرد! البته در همه کشورها تئاتر تبلیغاتی وجود دارد. و این امری اجتناب‌ناپذیر است. اما افراط در آن نه تنها تأثیر تبلیغاتی خود را از دست می‌دهد، بلکه بودن تئاتر را نیز به خطر می‌اندازد. سوال این است: آیا صرف این همه هزینه‌های گزاف برای جشنواره‌های غیر متخصصانه ضرورتی دارد؟ آیا هدفمندی تئاتر را کم‌رنگ و یا اصلاً بی‌رنگ نمی‌کند؟

تئاتر یک مثلث است: مسئولین امر، هنرمندان، مردم. مسئولین امر می‌بایست امکانات و تجهیزات لازم را در حد مطلوب فراهم آورند. هنرمندان با هنر و تجربه‌های خود بکوشند، و مردم از آن حمایت کنند

نمایشنامه‌نویسان خوب ما را مهجور یا به انزوا کشید. این گرایش جوانان به فرهنگ و ادب ملی را می‌توان به نوعی «رنسانس تئاتر ملی» نامید، که پیش زمینه آن را آن بزرگان فراهم کرده بودند. آزمایش و تجربه نشان داده است که استقبال مردم از آثار ملی به مراتب بیشتر بوده است چرا که یکی از اصول هنر و به ویژه تئاتر حس «خویشاوندی» است. اگر هر هنری این حس را در مخاطب بیافریند یا تقویت کند بدون شک موفق خواهد بود به ویژه اینکه مردم احساس کنند تئاتر و باورهای دینی، ملی، عاطفی و... آنها را در نظر گرفته و به آنها احترام گذاشته و آنها را در خلق این اثر و یا حرکت شریک دانسته است. خلق احساس مشارکت نه تنها در زمینه‌های هنر بلکه در تمام شئون اجتماعی پشتوانه سترگ موفقیت هر کار است. اگر بپذیریم تئاتر عرصه تقابل اندیشه‌هاست و همایش مستمر است و مشارکت حرف اول را می‌زند آن گاه به ارزش این گامی که برداشته شده است پی خواهیم برد. که شاید از نظر خواننده این سخن شعار به نظر برسد ولی حقیقت دارد. ما با داشتن پیشینه غنی فرهنگی و هنری پایان ناپذیر و با داشتن نمایشنامه‌نویسان مقتدر - که اکنون نیز داریم - رسیدن به هدف مورد نظرمان نه تنها آسان بلکه بدیهی به نظر می‌رسد.

### متون نمایشی قبل از انقلاب

گر چه تعداد اندکی از متون نمایشی قبل از انقلاب در این ۲۵ سال به روی صحنه آورده شده است، با اینهمه ما بر این امر واقف هستیم که متون بسیاری وجود دارند که از نظر مضمون و پرداخت به مسائل اجتماعی و هنری و هم از نظر فنی و اجرایی دارای پتانسیلی بالا برخوردارند. اجرای آن نمایشنامه‌ها گذشته از مقبولیت مردمی دارای مزایایی نیز هستند:

الف - مقیاسی هستند برای سنجش تحول نمایش در ایران.

ب - از نظر آکادمیک تطبیقی است بر چگونگی نمایشنامه‌نویسی گذشته و حال

ج - مقایسه و شناخت مهارت‌های فنی و هنری آن زمان و حال و چگونگی تکامل عناصر صحنه از هر نظر با تئاتر جهان.

د - شناخت نمایش بازتاب متقابل رویدادهای اجتماعی در هنر تئاتر و تئاتر در رویدادهای اجتماعی.

### تئاتر فولکلور



این نوع تئاتر در جهان از مقبولیتی خاص برخوردار است. و تأثیر آن حتی بر شاهکارهای بزرگ جهان نیز غیر قابل انکار است. یکی از ویژگیهای مهم این تئاتر ایجاد ارتباط صمیمانه و راستین به دور از پیچیده گیهای باصطلاح تئاتر رسمی است. قدرت این نوع تئاتر نقاط مشترک فرهنگی بین ملل است که گرچه با زبان متفاوت گفته می شود اما با ساختار فراگیری که دارد به سرعت قابل انتقال و ایجاد ارتباط است. گرچه در این ۲۵ سال نمونه هایی از آن اجرا شده است. با این حال با توجه به مفاهیم زیباشناختی و انسانی نیاز به حمایتی جدی دارد.

### تئاتر کودک

این نوع تئاتر در کشور ما بطور کلی مهجور مانده و هیچگونه برنامه ای جدی در این زمینه برایش تدوین نشده است، و اگر گهگاه شاهد آن هستیم یا مناسبتی بوده، یا به نوعی می توان گفت برای وقت های تلف شده و پر کردن برنامه اجرا می شده است و هم اکنون چنین است. گرچه در این راستا جشنواره تئاتر کودک و نوجوان وجود دارد ولی چون ابری است که می بارد و می رود و دیگر هیچ. در حالیکه این تئاتر را به یقین می توان گفت پایه و اساس تئاتر بزرگسالان است. اشاعه و گسترش آن میان کودکان که وارث تئاتر آینده کشور هستند

می تواند از بار گرانی که بر دوش تئاتر بزرگسالان است بکاهد. به سخنی دیگر می توان آن را تئاتر پایه نامید. با توجه به این قرن که عصر ارتباطات نامگذاری شده است، این تئاتر مقتدرترین تئاتر در تمامی فزاهای اجتماعی، علمی، فنی، فرهنگی و... است. این تئاتر یکی از قوی ترین ابزار آموزشی و پرورشی جهان است به طور مثال در بسیاری از کشورهای جهان با استفاده از این تئاتر توانسته اند بی سواد را ریشه کن کنند. بعد دیگر اهمیت تئاتر نهادینه کردن احساسات مثبت بشری و ترویج صلح و دوستی و نفرت از جنگ و تزویر و ریاکاری است. پس باید در گسترش آن اهتمام ورزیم.

### تئاتر شهرستان

بی تردید شهرستانی ها نیروی بالقوه تئاتر ما هستند. اگر بخواهیم مثالی بزنیم آنها به مثابه ذخایر نفتی برای تئاتر کشورها هستند. این نیرو از گذشته ها بوده اند و هستند و به یقین خواهند بود. همانطور که ذخایر نفتی نیاز به حفظ و حراست کردن دارند و درست باید از آنها استفاده شود. تئاتر شهرستان نیز چنین وضعیتی دارد. درست است که آنها تحصیلات آکادمیک ندارند با این همه استعداد های درخشانی از میان آنها ظهور می کند که به جرأت می توان گفت در کلان شهرهایی چون تهران کمتر پیدای می شود. تنها ثروتشان عشق است. گروه ها خود جوش هستند و بنا بر طبیعت و سرشت نابی که دارند کارهایی را به روی صحنه می آورند شگفت انگیز و قابل تأمل. اگر بیش از پیش به آنها رسیدگی شود. حمایت مالی بشوند و اساتید به آنها بروند و تئاتر آکادمیک را به آنها بیاموزند، استعداد های آنها را هدایت کنند، توان اصلی آنها در خلق آثاری متعالی بروز خواهند داد. این موضوع از دو نظر شایان توجه است. اول اینکه سیاست تمرکز زدایی تحقق می یابد دوم اینکه وضعیت تئاتر در آنجا از حالت موسمی و مناسبتی و جشنواره ای بیرون خواهد آمد. دیگر اینکه ساکنین شهرستانها با اطمینان به اینکه تئاتر مستمر و دائم خواهند داشت و از آن حمایت خواهند کرد.

### مطبوعات نمایشی

قبل از انقلاب کشور ما هرگز مجلات و مطبوعات نمایشی به این وسعت وجود نداشته است. گرچه از نظری نمی توان مجلات و مطبوعات نمایشی دلیل بالندگی و مرفقی بودن تئاتر یک کشور باشد ولی بیانگر این امر است که این هنر از انزوا بیرون آمده، و جدی گرفته شده است، البته در میان آنها نشریاتی هستند که اگر نگوئیم هالیوودی هستند ولی معادل تئاتری آن را بیاوریم و آن را «دست اندی» یا «برادوی» از نوع اول بنامیم. با این حال بیانگر این واقعیت هستند که این هنر تا حدودی مشتریان خود را پیدا کرده چرا که باید به قول معروف خریداری باشد تا فروشنده ای وجود داشته باشد. و بدون هیچ شک و تردیدی این مطبوعات از محتوی غنی تری بهره مند خواهند شد.

